

فرودگاه قلعه مرغی- ۱۷

پنهان کردن کبوتران

از چشم خان نایب

محمد باوری/آنچه گذشت: به‌خاطر سقوطیک هواپیمای نظامی که با دسته‌ای از کبوتران برخورد کرده بود، پرواز کبوتر در تهران ممنوع و محاکمه کبوتربازان در دادگاه نظامی آغاز شد و دارندگان کبوتر ملزم به نوشتن توبه‌نامه شدند. مأموران کشتار، کبوتران متعلق به اصغرسایه را سربریدند و دو کبوتر خواهرش را هم که به نشانه تیرباران دو پسر دانشجویش نگه داشته بود کشتند. زنی که از مرگ دو پسرش حالت جنون پیدا کرده بود...

سیاهی شب، پشت شیشه‌های دکان کبابی نشسته بود. اصغر سیاه با چهره‌ای غم‌زده از کبابی بیرون آمد. دلتگی غریبانه‌ای سینه‌اش را می‌فشرد و بی‌قرارش می‌کرد. دلش می‌خواست کینه‌ای را که در وجودش طوفان به‌پا کرده بود، با شکستن و دریدن چیزی فرو بنشاند. مشت به دیوار کوبید، با سنگ، شیشه‌های پنجره‌ها را بشکند، با حتی با کارد سلاخی، سینه رهگذری را ببرد تا دل بی‌قرارش آرام بگیرد. با دختکی صورت تبدارش را نوازش می‌کرد. به‌خانه‌ای برمی‌گشت که در انزوای چهار دیواری‌اش موربانه‌های خیال، روحش را می‌جویدند، صدایی از تاریکی پشت سرش شنید: -اصغری وایسا کارت دارم. سربرگرداند و نگاه تیزش، دل تاریک‌ها را دراند. رضا سالکی، شاگرد جراحی سرگذر غریبی‌ها را شناخت. صورت پرقالی خواجه‌وارش خیس عرق شده بود و نفس نفس می‌زد. -رضانویی؟

-ها بعله. پیغومی برات دارم اصغر جان، از رجب مکانیک.

اصغر سیاه با کج‌حلقی پرسید: -چکاره دارم؟

-چندتا کمتر از پشت آشپزخونه فرودگاه جمع کرده، چه گفتاری! پیغوم داده اگه خواستی، مفت چنگت.

پرسید: حالا کجا قایم شون کرده؟

-تو ببشه. به جایی لب نیناز.

اصغر سیاه فکری کرد و گفت:

-آره می‌خوام شون، همه شو، بهش بگو فردا غروب می‌بینمش.

اصغرها فوران آشفتشان کینه‌های انباشته در سینه‌اش را پیدایا کرده بود.

دکان خلوت شده بود. حسن کبابی، کنار منقل به خاکستر فرو مانده نشسته بود داشت چرت می‌زد. گاه به گاه پلک‌های خواب‌زده‌اش را باز می‌کرد تا ببیند آخرین مشتری، کی از دکان بیرون می‌رود. مردی تنها با شانه‌های فرو افتاده آن‌رخ‌هایش را لب میز خوابانده بود و چانه باریکش را به کف دست‌هایش می‌فشرد. به یک کبوتر کاکلی نگاه می‌کرد که روی میز کز کرده بود و با نوک فرو برده در پرها ی سینه، چشم‌هایی غمگین داشت. مرد تنها با سرانگشت، دانه‌های گندم را زیر سینه کبوتر جمع و جور کرد و زیر لب گفت:

-تک بزن کاکلی جان، نترس عزیزم، می‌دونم گشته، اینورها امنیه و خیرچین نیست، حسن کبابی با لجنند محرونی، مرد تنها را صدا زد: - آقا مرتضی ببین قربونت، چشم‌ت به در باشه، لکنه امنیه‌ها سرپرسند. پاک از نون خوردن می‌اقتماها! - چشم خواسم هست، یک لیوان نوشابه را سرکشید و یک بریرخان را در دها ن جویید.

کبابی گفت: این زیون بسته رو می‌سپردی دست یک آشنا، می‌بردنش به جای دور خلاص.

مرد تنها آه کشید و لب ورچید: -چه‌کمن حسن آقا، عاشقشم به مولا، همین یکی برام مونده که به دنیا ش نمی‌دم نمی‌تونم ازش دل بکنم حسن آقا.

حسن کبابی گفت: عزیزم، خودت عشق‌باز هستی، می‌دونی کمتر پر می‌خواد که پیره. آسمون امن می‌خواد که پال بزنه. جقتی می‌خواد که باهاش عاشقی کنه. حالا این حیوونی پرهاش را چیدی، کردی تو جیب رو سینه‌ات که چی؟ به بخا اینجوری قق می‌کنه تلف می‌شه‌ها؟! گناه داره به‌خدا! احسن کبابی با دیدن چهره نگارن مرد تنها، جا خورد و به طرف در سرچرخاند. استوار نایب و گروهان سالاری، وارد دکان شده بودند و لب پیشتخوان ایستاده بودند.

■ ادامه در روز پنجشنبه آینده

همبستگی مردم، مسئولان و پلیس

برای ایجاد امنیت اجتماعی

سرنگ مرادی- معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ / در سال‌های اخیر با توجه به افزایش احساس نیاز برای مشارکت مردم در برقراری و حفظ امنیت، نیروی انتظامی نیز به‌عنوان پلیس اجتماعی را به‌عنوان راهبردی مهم در برنامه‌های خود جاد داد و سرافصل جدیدی برای مسئول سازی در حوزه امنیت از میان شهروندان که همانا سرمایه اجتماعی پلیس محسوب می‌شوند، ایجاد کرد.

پیشگیری اجتماعی را می‌توان در تعریفی کوتاه این گونه بیان کرد: «متوقف کردن و ایجاد تحول در شرایطی که فرد را به سوی جامعه‌سنیزی و ارتکاب جرم سوق می‌دهد که از طریق اعضای جامعه و بر آموزش، تقویت قوانین و مقررات و هنجارهای اجتماعی و تشویق و تنبیه مبتنی است.» در این صورت بدون مداخله مستقیم پلیس و نهادهای کیفری و با حساس کردن مردم، نسبت به برقراری و حفظ امنیت و جلوگیری از مهیا شدن شرایط تکوین جرم، می‌توان آمار بزهکاری را کاهش داد.

البته باید توجه داشت که پیشگیری اجتماعی به‌دنبال همبستگی میان مردم و دیگر سازمان‌ها و نهادهای مسئول با پلیس صورت می‌پذیرد که در این صورت با یکدست شدن فعالیت‌ها و عمل بر یک رویه اصولی، به این مهم دست می‌یابیم.

برای دستیابی به روندی کاربردی در این زمینه، چند سالی است که پلیس خود را موظف به گسترش «آموزش همگانی» کرده است، از آنجاکه آموزش همگانی و فعال کردن تمام بخش‌های اجتماعی در حوزه ایجاد و حفظ امنیت، از جمله پایگاه‌های مهم دموکراسی و گسترش نظام حقوق بشری است، نیروی انتظامی نیز به‌عنوان نیرویی جامعه‌محور و مردم‌مدار، این اصل را جزو اولویت‌های خود قرار داده و درصدد جذب حداکثری مردم و نظارت‌های اجتماعی ناشی از این نوع آموزش است.

به‌طور حتم ورود مردم به حوزه برقراری، حفظ و ارتقای نظم و امنیت عمومی از طریق پیشگیری اجتماعی و آموزش همگانی و پر کردن شکاف میان مردم و نهادهای متولی امنیت و مسئول سازی از میان سایر سازمان‌ها، می‌تواند مولد «امنیت اجتماعی» باشد؛ امنیتی که برگرفته از مردم و برای مردم باشد، ساختاری منسجم‌تر و محکم‌تر داشته و خروجی آن، افزایش امنیت و احساس امنیت، رضایت مردمی و در نهایت «امنیت پایدار» است.

امنیت اجتماعی ناظر بر رفع دغدغه‌های ذهنی و روانی شهروندان و در همان حوزه احساس امنیت تعریف می‌شود که مرجعیت آن، مردم و در کل، جامعه است. پلیس جامعه‌محور انقلابی امروز با تمام تلاش به‌دنبال راهکارهای اجتماعی و دخیل کردن مردم در عرصه پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش همگانی و در نهایت استقرار امنیتی اجتماعی است که در این صورت می‌تواند با فراغ بال بیشتری به مأموریت‌های متنوع و متنکثر خود پرداخته و آنها را به نتیجه برساند، چراکه می‌داند همواره مردم پشتیبان وی هستند و در برقراری، حفظ و ارتقای نظم و امنیت عمومی، تنها نیست بلکه یک جامعه فرهنگی و انقلابی، از وی حمایت می‌کند.



به سراغش رفتم و مقداری از موها و بدنش را آتش زدم. در این میان دخترتم با داد و فریاد از همسایه‌ها کمک خواست و در نهایت مرا گرفتند و آمیترا را به بیمارستان منتقل کردند. من نمی‌خواستم بچه برادرم را به قتل برسانم، اما از آینده دخترتم می‌ترسیدم و نگران او بودم و زمانی که رفتار آمیترا را دیدم از روی عصبانیت این کار را انجام دادم.

سر دخترتم بردارد، اما او با بی‌احترامی به من توهین کرد و همین مسأله باعث شد درگیری من و آمیترا بالا بگیرد. آنقدر عصبانی شده بودم که ناگهانی چاقویی برداشتم و با آن ضربه‌ای به شکم آمیترا زدم. به او گفتم اگر دست از سر دخترتم برنداری، تو را آتش می‌زنم. او هم در جواب به من گفت نمی‌توانی کاری کنی.

من که خیلی عصبانی شده بودم با فندک

از سر دخترتم بردارد. می‌ترسیدم دخترتم به سرنوشت آمیترا مبتلا شود، اما تذکرها ی من بی‌نتیجه بود و این بار من از دخترتم خواستم که دوستی اش را با آمیترا کم کند، اما مبترا به جای اینکه به حرف من گوش کند، از آمیترا طرفداری کرد و با بی‌احترامی مقابلم ایستاد.

منهم ادامه داد: شب حادثه آمیترا به خانه‌مان آمد. من از او خواستم که دست از

۲.بلیت برای یک جنیت

شده و از گیت‌ها نیز عبور کرده و مهر خروج روی بلیت‌ش نیز زده می‌شود. اما به محض ورود به سالن نهایی که مسافران را به قسمت پرواز منتقل می‌کند، او برگشته و از فرودگاه خارج شده است. بعد از این صحنه‌سازی او راهی رباط کریم شده و برادرزنش را با شلیک گلوله به قتل می‌رساند. بعد از آن دوباره راهی فرودگاه شده و این بار با بلیت دومی که تهیه کرده بود از کشور خارج می‌شود. با برملا شدن راز این صحنه‌سازی از سوی بازپرس جنایی، هویت عامل این جنایت برملا شد.

مراجعه به پلیس مدعی شد همسرش برای گرفتن انتقام از وی، پیچی در اینستاگرام راه‌اندازی کرده و عکس‌های خصوصی همسرش را در فضای مجازی منتشر کرده است. بدین ترتیب به دستور بازپرس حبیب‌الله صادقی از شعبه چهارم دادسرای امورجنایی پایتخت، تحقیقات برای دستگیری مرد جوان ادامه دارد.

است. من و کوروش مدتی بعد از ازدوآجمان به اختلاف خورديم و اين درگيري ها را به دادگاه خانواده گشاند. در بجه‌وجه جدایی از همسر م بودم که اين اتفاق رخ داد. کوروش به خاطر اختلافاتی که با من داشت با برادرم نیز درگیر شده بود و این درگیری به کینه و در نهایت قتل ختم شد.

در حالی که سرنخ‌ها نشان می‌داد که کوروش در این جنایت نقش دارد، تیم جنایی در تحقیقات بی‌برند که کوروش روز جنایت به کشور ترکیه پرواز داشته و در زمان قتل در ایران نبوده است، اما این احتمال از سوی بازپرس جنایی مطرح شد که مرد جوان اقدام به صحنه‌سازی برای جنایت کرده است. سرانجام در بررسی‌های صورت گرفته، مشخص شد کوروش دو بلیت در یک روز به مقصد ترکیه خریده بود. اما زمان پرواز او متفاوت و با فاصله زمانی تقریباً چند ساعته بوده است. کوروش با بلیت اول وارد فرودگاه

گروه حوادث/ مرد جوان در حالی که با خرید بلیت ترکیه در فرودگاه منتظر پرواز بود در آخرین لحظات به خانه برادرزنش رفت و او را کشت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، مدتی قبل مرد جوانی سوارخودرواز خانه‌اش در شهرستان رباط کریم شد تا به محل کارش برود. اما همین که از خودرو پیاده شد تا درپارکینگ را ببندد، ناگهان با شلیک چند گلوله از اسلحه مردی آشنا به قتل رسید.

■ **انتقام فامیلی**
به دنبال این تیراندازی، بلافاصله مأموران پلیس آگاهی رباط کریم وارد عمل شده و تحقیقات به دستور بازپرس پرونده آغاز شد و کارآگاهان به بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل حادثه پرداختند تا تصویر مرد جنایتکار به‌دست بیاید. در بازبینی دوربین‌های مدار بسته، تصویر مهمم مرد مسلح به‌دست آمد. خواهر مقتول که پرستار یکی از بیمارستان‌های پایتخت است با دیدن تصویر قاتل گفت: منم، همسر م کوروش

آزادی عامل تیراندازی

به ۳ زن اصفهانی

گروه حوادث/ رئیس کل دادگستری استان اصفهان درباره روند رسیدگی به پرونده مرد معتادی که با اسلحه ساچمه زنی سه زن را مجروح کرده بود توضیحاتی ارائه کرد. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، رئیس کل دادگستری استان اصفهان به تشریح ماجرای تیراندازی به سه زن در این استان پرداخت. وی با اشاره به انتشار گزارشی در یکی از روزنامه‌ها با عنوان «شلیک به زنان در خیابان‌های اصفهان»، اطلاعات منتشر شده را نادقیق دانست و ضمن تکذیب صدمه به پنج نفر در این ماجرا گفت: دستگاه قضایی با قاطعیت و دقت تا صدور حکم به این پرونده رسیدگی می‌کند.

محمدرضا حبیبی در رابطه با جزئیات این ماجرا گفت: پس از تشکیل پرونده‌ای در این زمینه، منم به سرعت بازداشت و در تحقیقات صورت گرفته اعتیاد این فرد به مواد مخدر صنعتی تأیید و مشخص شد وی با استفاده از

سلاح ساچمه‌ای اقدام به تیراندازی به سه خانم کرده است.

رئیس کل دادگستری استان اصفهان اعلام داد: در جریان رسیدگی به این پرونده، فقط یک نفر به پزشکی قانونی مراجعه می‌کند و طبق نظر پزشکی قانونی جراحات وارده به این فرد از نوع جراحات دامیه و جزئی بوده است. وی در ادامه ضمن تکذیب ادعاها در مورد آزاد شدن منم حادثه بعد از چندین روز گفت: منم قریب به دو ماه بازداشت موقت بوده و تحقیقات مفصل و کاملی در این زمینه صورت می‌گیرد و پس از تکمیل تحقیقات و رفع ابهامات پرونده، به موجب قانون قرار وی به وثیقه تبدیل و با قرار تأمین کیفری مناسب آزاد می‌شود.

رئیس کل دادگستری استان اصفهان با تأکید بر اینکه پرونده مسیر قانونی خود را طی می‌کند، گفت: دستگاه قضایی با قاطعیت و دقت تا صدور حکم به این پرونده رسیدگی می‌کند.

گروه حوادث/ پسر شیشه‌ای که به دنبال اختلاف خانوادگی پدرش را با چند ضربه چاقو به قتل رسانده بود یک روز پس از این جنایت دستگیر شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، «شان‌دهم مهر امسال دربی تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ کرمان، درگیری خونین یک پدر و پسر اعلام شد، خیلی سریع گشت کلاتری ۱۹ کرمان در محل حضور یافتند و با پیکر خونین مرد ۵۴ ساله‌ای روبه‌رو شدند که با ضربه‌های چاقو زخمی شده بود. بلافاصله نیم پزشکی اورژانس در محل حاضر شد اما دقایقی بعد مرد میانسال جان باخت.

پس از این حادثه بازپرس کشیک قتل دستور رسیدگی به این پرونده را صادر کرد و در نخستین گام جسد مقتول به پزشکی قانونی منتقل شد. با نتشکیل اکپ ویژه و انجام تحقیقات گسترده و تخصصی، کارآگاهان جنایی توانستند با سرنخ‌های به‌دست آمده پسر معتاد خانواده را که عامل قتل بود، شناسایی و پس از ۲۲ ساعت وی را در مخفیگاهش دستگیر کردند. منم ۲۴ ساله که تحت تأثیر مواد مخدر صنعتی اقدام به قتل پدرش کرده بود در جریان بازجویی‌های پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بود گفت: تا اول دبیرستان بیشتر درس نخواندم دوستانی داشتم که همیشه با بساط مواد مخدر بودند و از اولین باری که مخدر مصرف کردم حدود پنج سالی می‌گذرد اما مدتی است که شیشه می‌کشم و بیشتر اوقات با خانواده‌ام درگیر می‌شوم. وقتی شیشه می‌کشیم نمی‌توانم رفتارم را کنترل کنم و دچار توهم می‌شوم، زمان درگیری اصلا

بی‌توجهی در مسیر اشتباه قدم بگذارند.



یادم نمی‌آید. فقط این را می‌دانم که پدرم را زدم و فرار کردم. پس از اعتراف‌های این منم او به اتهام قتل عمد بازداشت و پس از بازسازی صحنه جنایت به زندان منتقل شد تا زمان محاکمه‌اش فرا برسد. سرنهنگ مهدی‌پور امینایی، فرمانده انتظامی شهرستان کرمان با تأیید این خبر به «ایران» گفت: خانواده به‌عنوان یک رکن اساسی و نهاد اجتماعی در تربیت فرزندان صالح و آینده ساز، نقش مهمی دارد. بی‌شک باید برای تربیت و تعالی فرزندان و حفظ سلامت روحی و روانی آنها در محیط خانواده برنامه محور عمل کرد و بر رفتار فرزندان بخصوص نوجوانان و جوانان نظارت کامل داشت تا بر اثر سهل‌انگاری و بی‌توجهی در مسیر اشتباه قدم بگذارند.

۱۵ سال با تکلیفی برای

قتل راننده

رضایت بگیرد و آزاد شود.

به این ترتیب محمود محاکمه و با درخواست اولیای دم به قصاص و ۱۵ سال زندان محکوم شد. چون در این میان تعدادی از اولیای دم اعلام گذشت کرده و دخترقربانی

تقاضای قصاص را مطرح کرده و پیگیری اجرای حکم نشده بود منم به زندان رفت و پس از ۱۵ سال بالاتکلیفی در نامه‌ای از قضات خواست تا به وضعیت او رسیدگی کنند.

محمود که حالا ۳۷ سال دارد طبق ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد و از خود دفاع کرد.

وی در جلسه دادگاه با تشریح جزئیات ماجرای قتل در سال ۸۵ گفت: آن روز ماشین را در بست گرفتم هرکدام یک جرم را گردن گرفتم و با کلاطم سرت را در داسرا حرف ما را قبول نکردند و همدمت هم از موقعیت استفاده کرد و با پرداخت ۳۰۰ میلیون آزاد شد. هرچند بعد از محاکمه مشخص شد اصلاً قضات او را در قتل مجرم تشخیص نداده‌اند. حالا هم اولیای دم غیر از دختر مقتول رضایت داده‌اند. سرپرست دادرسی جنایی نیز چندین بار آنها را دعوت کرد تا صحبت کند باز هم قبول نکردند، آنها هر بار بهانه می‌گرفتند و حاضر هم نیستند در دادگاه پاسخ دهند که چه تصمیمی دارند.

من ۱۵ سال از بهترین روزهای زندگی‌ام را در زندان گذراندم. باورکنید هیچ خصوصی با مقتول نداشتم و تحت تأثیر مصرف مواد با او درگیر شدم. من در این سال‌ها هر شب کابوس اعدام می‌دیدم. حالا از قضات می‌خواهم کمکم کنند.

پس از اظهارات منم، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

گروه حوادث/ مرد جوانی که سال‌ها قبل به خاطر مخالفت راننده مسافرش با مصرف مواد مخدر او را به قتل رسانده و به زندان افتاده است پس از ۱۵ سال برای تعیین تکلیف از قضات کمک‌خواست.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اردیبهشت سال ۸۵ به‌دنبال ناپدید شدن راننده ۳۵ ساله یک خودرو آغاز شد. پدر وی در توضیح ماجرا گفت: پسر م با ماشین مسافرش می‌کرد. او در آخرین تماس با همسرش گفته بود می‌سافروم از ترمینال جنوب به قم می‌برم اما پس از آن دیگر از او خبری نشد.

پس از اظهارات این مرد، مأموران تحقیقات‌شان را آغاز کردند تا اینکه یک هفته بعد در حاشیه جاده قم جسد مرد جوان که با ضربه‌های متعدد چاقو کشته شده بود، کشف شد و به نظر می‌رسید خودرواش به سرقت رفته است.

ردیابی عامل یا عاملان قتل و سرقت ادامه داشت تا اینکه پلیس جیرفت اعلام کرد خودروی مقتول در این شهرستان توقیف و راننده آن بازداشت شده است. راننده پس از بازداشت و در بازجویی گفت: یک سال قبل پسرعمویم ماشین را به‌صورت امانت در پارکینگ خانه‌ام گذاشت و من برای اولین بار سو آن شدم تا دور بزم که پلیس بازداشت کرد.

در ادامه، مأموران پسرعموی ۲۲ ساله او به‌نام محمود را در تهران بازداشت کردند و وی به قتل صاحب خودرو با همدستی دوستش کاظم اعتراف کرد. پس از آن کاظم هم دستگیر شد و به قتل با انگیزه سرقت اعتراف کرد اما کاظم قبل از جلسه دادگاه با پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان موفق شد از اولیای دم